

نخبگان عهد قاجار و خرسندی از اوضاع وبا

۱۳ تیر ۱۴۰۰ ساعت ۱۶:۰۲

انتشار بیماری همه‌گیر وبا در دوران قاجار که با قحطی نان و ارزاق مردم نیز همراه شد از جمله بحران‌هایی بود که در این سلسله به‌وجود آمد. حکام علنا مباحث آشکار را پنهان می‌کردند و حتی انتشار وبا را مایه تنبیه مردم می‌دانستند.

در همین رابطه، اعتمادالسلطنه از رجال نامی دوره ناصری چند نمونه می‌آورد و می‌نویسد: «شب در حضور شاه بودیم. حکیم الممالک که از آن تعلقات خنک دارد بنا کرد به شکر کردن، که الحمدالله به‌زیر سایه شاه نه وبا داریم به بلا، نه جنگ داریم و نه منگ.» و روز دیگر «سر نهار بودیم. سیدعبدالکریم خان برادر انیس الدوله که از طهران آمده بود به شاه قسم می‌خورد که در تهران وبا نیست، اما به من اشاره می‌کرد که هست و شدت هم دارد.» از ترس اهل دولت می‌گفتند: «وای گیلان از «پر خوردن و سختی هوا است، در خراسان هم به‌جهت اراجیف و تخلف گوئی» است. عبدالحسین فرمانفرما مدعی بود که در کرمان هرگز و با نیامده» بود.



برخی از حکام از اینکه وبا به جای ایشان دمار از روزگار خلق بر می آورد اظهارخوشنودی هم می کردند؛ حاکم استرآباد نوشت: «تاخوشی وبا در شهر و دهات استرآباد فی الجمله شدتی دارد. کاری که می کند بد نیست. انشاء الله در میان ایلات کارسازی درست خواهد کرد.»

در ۱۲۸۷ سال قحطی معروف که وبا هم به دنبالش آمد و لطمه شدید به مملکت زد، دریک گفتگوی تلگرافی میان ناصرالدین شاه و کارگزاران دولت این دروغ های رسمی مبادله گشت: شاه در کرمانشاه از احوال عمومی پرسید و در جواب آمد: احوالها خیلی خوب است، تازه که قابل عرض همایون باشد هیچ نیست. دزدهائی که قرار بود سردار بگیرد گرفته ... یک نفر رعیت ایران بود دستش را بریده اند. حالت نان در همه جا مزاجی گرفته، علی الخصوص قم و کاشان، که گندم وفور دارد. از هرجهت امنیت و آسودگی حاصل است. طهران کمال نظم و وفور را دارد جنس به قاعده به انبارها می رسد. به هیچ قسم از از طهران نگرانی نداشته باشید.

منبع: مصیبت وبا، هما ناطق، ۱۳۵۸، ص ۲۹.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۴۱۱/وبا-اوضاع-خرسندی-قاجار-عهد-نخبگان>